**مضوع تحقیق:عوامل تجمل گرایی در سبک زندگی فردی با تکیه برقرآن سوره روم آیه(7)**

محقق:کوثرصادقی نیا[[1]](#footnote-1)

چکیده:

تجمّل گرایی، به معنای گرایش به تجمّلات، یکی از پدیده های نابهنجار اجتماعی و یک بیماری روان شناختی است. هر چند که نمی توان آن را یک رذیلت اخلاقی دانست، ولی باید اذعان کرد که آثار آن از یک رذیلت اخلاقی در روحیه فرد ، کمتر نیست.گرایش به تجمّل، یک امر طبیعی و فطری است؛ ولی مراد از تجمّل گرایی در اینجا، عوامل تجمل گرایی در زندگی فردباتکیه بر سوره روم آیه(7) ، بیان گر این است که گرچه آسیب‌های تجمل‌گرایی بسیار است، اما در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با تأکید بر سبک زندگی مدرن که مبتنی بر فردگرایی بوده و خود را در قالب آسیب های درونی وبیرونی درزندگی فرد اذعان کرده تلاش نمود تا چند عامل که باعث تخریب شخصیت فرددر زندگی بوده به آنها اشاره شود و با توجه به نوعی ابهام عرفی در ممدوح و مذموم بودن این سبک زندگی به عنوان آسیب، به کشف مقوله‌های تجمل‌گرایی و زیباشناختی ممدوح از منظر آموزه‌های اسلامی پرداخته می‌شود.

**کلید واژگان**:تجمل گرایی\_فرد\_ عوامل\_قرآن\_سبک زندگی

مقدمه:

 بی تردید دین مبین اسلام به نام یک دین کامل و جامع، علاوه بر سعادت اخروی، به زندگی و سعادت فردی انسان ها نیز توجه دارد و در این راستا، به بهره مندی از وسایل و امکانات رفاه و آسایش انسان را تا حدی در حد رعایت بندگی مجاز شمرده است و مسلمانان را به پرهیز از افراط و تفریط در این زمینه، فراخوانده و به یک زندگی متعادل دعوت می کند. هدف اصلی اسلام ، ایجاد قسط و رهنمون ساختن انسان به سوی خدا و سعادت جاوید می باشد و با نگرشی کوتاه در می یابیم, این مکتب آسمانی با توجه به ساختمان مخصوص انسان، برای تحقق بخشیدن به عدالت، همه عوامل مؤثر و موجد را به خاطرشان ساخته و از عواملی که مزاحم رسیدن به این هدف و مانع برقراری تعاد است، نهی فرموده است تا انسان با امکانات کافی بتواند مسیر خویش را بپیماید. از آنجا که طبیعت انسان به گونه ای است که وقتی در یک مورد، قانون شکنی کرد و از مرز ً عدل عبور کرد، رفته رفته با تکرار تجاوز در همان یک مورد (مثال تجمل گرایی ) قدرت جسارت و قانون شکنی در او زیاد می شود تا حدی که این روند اوج می گیرد و به همه افکار و اعمالش سرایت می کند و او را از صراط مستقیم، خارج می سازد. بنابراین بزرگترين ظلم انسان به خودش اين است كه در اثر افراط و تفريط، بى‏نظمى و رعايت نكردن ضوابط زندگى، دچار فساد و اختالل در وجود و قواى خود شود. ازاین رو با توجه به آسیب هایی که این پدیده دارد و همچنین با در نظر گرفتن موقعیت آسیب های فرهنگی تجمل گرایی در حوزه شخصیت انسانها رخنه کرده است، وبا توجه به آسیب های که این معذل داشته سعی بر این شده که به چند مورد از جمله عوامل درونی وبیرونی تجل گرایی که باعث به وجود آمدن خلع در وجود انسان می شود پرداخته شود و در این باره مقالات وکتب فراوانی از جمله (پیامدهای رفاه زدگی اجتماعی ،صدیقه پور محمدی، مرتضی ،مطهری،مجموعه آثار استاد شهید مطهری (عدل الهی)، در باره پیامد های رفاه زدگی است ، فرامرز،رفیع پور،توسعه وتضاد (کوشش در جهت تحلیل انقلاب اسلامی ومسائا اجتماعی ایران درباره رفاه زدگی اجتماعی، مجید رشید پور،تعادل واستحکام خانواده در مواجه با امر تجمل گرایی،)ضرورت دارد در نوشته ها وکتب ای که بیان شده به عوامل رفاه زدگی اجتماعی وعوامل آن در جامعه تحقیق وپژوهش شده ولی در مقاله حاضر به برسی عوامل تجمل گرایی وتاثیر آن در سبک زندگی فرد پرداخته شده است وضرورت اول ً فردی،وعوامل بیرونی ودرونی شناسایی شود و ثانیا، با بهره گیری از آیات قرآن، مسائلی که الزم است به ارائه راهکارهای برای جلو گیری از تجل گرایی وپژوش می شود.

: الف: تجمل گرایی چیست؟

ب:عوامل درونی تجمل گرایی در زندگی فردی چه تا ثیری دارد ؟

ج:عوامل بیرونی تجمل گرایی در زندگی فردی چه تا ثیری دارد؟

مفهوم شناسی تجمل گرایی:

تجمل گرايي، اصطلاحي است مرکب از دو واژه «تجمل» و «گرايي»؛ تجمّل به معناي زيور بستن، آذين کردن، خودآراستن، مال و وسايل گرانبها داشتن، خودآرايي، جاه و جلال، خدم و حشم و … آمده است.[[2]](#footnote-2) بنابراين تجمل در لغت به معناي خود را زينت‌دادن و آراستن است و به صورت اسمي به معناي وسايل آرايش و آن‌چه موجب نشان دادن شأن و شكوه باشد، به کار مي­رود. [[3]](#footnote-3)استاد شهيد مطهري نيز در معناي تجمل قائل است که تجمل همان خود را زيبا کردن است و حديثي داريم که «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَال» خداوند زيباست و زيبايي را دوست دارد.[[4]](#footnote-4)

و گرايي به معناي «آهنگ کردن، ميل و رغبت کردن».[[5]](#footnote-5)با توجه به اين تعبيرها، تجمل‏گرايي به معناي رغبت کردن به تجملات وتوجه به ظواهر زندگي است. مي توان گفت توجه مفرط به ظواهر زندگي و خروج از حد اعتدال در استفاده از وسايل دنيوي، تجمل گرايي ناميده مي شود که ريشه در اسراف دارد که براي روشن شدن مطلب به توضيح اين مفاهيم مي پردازيم.

عوامل درونی تجمل گرایی فردی:

 تجمل گرایی و رفاه زدگی از آن جمله اعمالی است که آسیب ها و نتایج زیان باری را در دراز مدت یا کوتاه مدت در زندگی انسان و به تبع آن در جامعه بر جای می گذارد. با در نظر گرفتن آیات قرآن و روایات معصومان(ع) به برخی ازاین آسیب ها اشاره می شود.

الف :فراموشی یاد خدا

از آثار شوم تجمل گرايي، غفلت از ياد خداوند است. اين فراموشي به دليل از يادبردن ذات خويش و نيز گوهر پرارزش انسانيت و استعدادهاي نهفته در آن است. با شكوفايي اين انگيزه ها و استعدادها، انسان لحظه لحظه به سوي كمال گام برمي دارد و حتي از فرشتگان مقرب هم بالاتر مي رود، ولي با فراموش كردن خداوند استعدادها و فطرت كمال جويي، در روح انسان به خاموشي مي گرايد و آدمي در سياهچال حيوانيت اسير مي شود. خداوند باري تعالي در كتاب آسماني خود، در نكوهش از خصلت تجمل گرايي و دنياطلبي، بندگان خود را حتي از هم نشيني با صاحبان اين صفات هشدار مي دهد و به روي گرداني از آنها امر مي فرمايد. همچنين، از افراد تجمل گرا، به عنوان مصداق آشكار غافلان ياد خداوند نام مي برد:

فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلّي عَنْ ذِكْرِنا وَ لَمْ يُرِدْ إِلاَّ الْحَياةَ الدُّنْيا. [[6]](#footnote-6)حال كه چنين است، از كسي كه از ياد ما روي مي گرداند و جز زندگي مادي دنيا را نمي طلبد، اعراض كن.

خداوند در آيه هاي ديگري از كتاب هدايت، زيان و سيه بختي تجمل پرستان و افزون خواهان را يادآور شده است و آگاه مي كند كه فريب دنيا و دارايي اش را نخورد و سرگرمش نشود تا مبادا از ياد خداوند غافل شود كه اين، بزرگ ترين زيان براي آدمي معرفي شده است:

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تُلْهِكُمْ أَمْوالُكُمْ وَ لا أَوْلادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ الْخاسِرُونَ.

اي كساني كه ايمان آورده ايد! اموال و فرزندانتان شما را از ياد خدا غافل نكند! و كساني كه چنين كنند، زيان كارانند.[[7]](#footnote-7)

روايت ها و كلام بزرگان نيز مؤمنان را از زياده خواهي بر حذر داشته اند و آفت ها و خطرهاي آن، از جمله غفلت از ياد خدا را براي انسان ها برشمرده و انسان ها را به پارسايي و رستگاري و عمل به دستورهاي الهي هدايت كرده اند. اميرالمؤمنين علي عليه السلام نيز تجمل گرايي و دنياطلبي را نفي مي كند و يكي از پي آمدهاي آن را فراموشي ياد خداوند مي داند. ايشان انسان هاي غافل را به حيوانات پرواري تشبيه كرده است كه براي بريده شدن با كارد آماده اند، ولي خود چيزي نمي دانند. اين امام همام در فرازي مي فرمايد:

اي مردمي (كه غافليد)، اما از شما غافل نيستند (و تمام كردارتان را ثبت مي كنند) و اي آنان كه (دستورهاي خدا را) ترك مي كنيد، اما شما را ترك نمي گويند (و سرمايه هايتان را مي گيرند) چه شده است، مي بينيم از خداي روي برتافته ايد و به غير او روي آورده ايد؟! گويا شما گلّه هاي شتران و گوسفنداني هستيد كه چوپان، شما را به چراگاهي پر و به چشمه اي بيماري زا مي برد. آنها همانند حيوانات پرواري هستند كه براي كارد آماده شده اند،[[8]](#footnote-8) ولي و به تعبير دل نشين باباطاهر:

خودشان نمي دانند چه هدفي از آنها در نظر است...

ب:قساوت قلب

افرادی که دارای زندگی تجملاتی هستند دچار تن آسایی شده ودر کام لذایذفرومی روندوبرای اشباعتمایلات نفسانی حد ومرزی نمی شناسند ؛بنا بر این مبطلا به آرزو های طولانی شده طراوت زندگی از بین رفته وحالت روانی خواصی در آنان به وجود می آورد که قرآن آن را قساوت وسنگ دلی می نامد.قرآن در بیان این مطلب چنین می فرماید : «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ ۖ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ»[[9]](#footnote-9)؛آیا برای کسانی که ایمان آوردند وقت آن نرسیده است که دلهایشان به یاد خدا وآن حقیقتی که نازل شد نرم وخاشع گرددومانند کسانی نباشند که در گذشته کتابشان داده شد پس روزگار برآنها به درازا کشید ودلهایشان سخت شد وبسیاری از آنها نافرمان بودند .»در این آیه بین آرزوهای طولانی وقساوت قلب ارتباط مستقیم قرار داده شده در شان نزول این آیه آمده است کهیاران پیامبر در مکه در خشکسالی وزندگی سختی به سر می بردند ،هنگامی که محاجرت کردند به فراوانی ونعمت رسیدند ،قساوت بر قلول آنها چیره گشت در حالی که لازم بود بر ایمان آنها افزوده شود ولی دچار غفلت شدند این آیه می فرماید:آیا تنها به ادعای ایمان قناعت کردن،از کنار مسائل مهم به سادگی گذشتن ،تن به زندگی مرفه سپردن وپیوسته مشغول عیش ونوش بودن با ایمان سازگار است؟[[10]](#footnote-10)

گاهی تصور می شود که راه اساسی برای بهتر زیستن،سنگین کردن کفه های مادی زندگی وسرگرم شدن با برنامه های متنوع مادی است ،غافل از این که تا به موازات پیشرفت در ظاهر لذت جسمی،در قسمت های معنوی پیشرفت حاصل نشود زندگی سعادت مندانه به وجود نمی آید ؛زیرا توجه فوق العاده به ظواهر فریبنده ی زندگی مادی دل را می میراند .در چنین دلی فضایل انسانی وسجایای اخلاقی چون مهر ومحبت ،عاطفه وترحم،فتوت وجوانمردی ،عفت وپاکی صدق وصفا کمتر پیدا می شود زیرا اینگونه فضایل در مسیر زندگی ،محدودیت خواصی به وجود می آورد وکسی که معتقد است زندگی برای لذت بردن است وبس،چنین محدودیت های را بلای جان خود می داند .[[11]](#footnote-11)

در سوره اعراف نیز قوم به کوردلی متصف شدند :« قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٦٠﴾قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦١﴾أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٦٣﴾فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ﴿٦٤﴾»(اشراف و سران قومش گفتند: مسلماً ما تو را در گمراهی آشکار می‌بینیم! (۶۰) گفت: ای قوم من! هیچ گمراهی و انحرافی در من نیست، بلکه من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم. (۶۱) پیام های پروردگارم را به شما می رسانم، و برای شما خیرخواهی می کنم و از سوی خدا حقایقی را می دانم که شما نمی دانید. (۶۲) آیا تعجب کردید که بر مردی از جنس خودتان معارفی از سوی پروردگارتان آمده تا شما را [از عذاب دنیا و آخرت] بیم دهد، و تا شما پرهیزکاری کنید و برای اینکه مورد رحمت قرار گیرید؟! (۶۳) پس او را تکذیب کردند، ما هم او و کسانی که در کشتی همراهش بودند، نجات دادیم و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق نمودیم؛ زیرا آنان گروهی کوردل بودند. (۶۴)[[12]](#footnote-12)

چشم پوشی مستمر از حقایق وبه کار نگرفتن عقل وخرد در فهم واقعیت ها تدریجاَچشم تیز بینعقل ها را به تدریج ضعیف وسر انجام نا بینا می کند در کلامی از امام صادق(علیه السلام)پیام حب دنیا کوری کری لالی بیان شده است.[[13]](#footnote-13)«دنیا را رها کن که حب دنیا انسان را کورو کرو لال می کند .

از نظر شهید مطهری یکی از از ویژگی افراد تجمل گرا این است که طبقه مرفه لذت حیات وارزش زندگی را درک نکرده وزیبایی عالم را احساس نمی کند لذت تجمل گرایی ورفاه بیش از اندازه انسان را بی حس کرده وبه صورت یک موجود کریخ وابله درمی آورد.[[14]](#footnote-14)

ج:فخر فروشی

فخر در لغت:نازیدن به معنی برتری جویی در چیز هاییی که خارج از خلقت انسان هستند مثل مال ومقام می باشد [[15]](#footnote-15)تفاخر به هم دیگر نازیدن وفخر فروشی کردن است [[16]](#footnote-16)برخی مفرهین جامعه به ثروت ،افراد واولاد خود در مقابل دیگران فخر می فروشند.خداوند می فرماید :« وَيُنْذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ﴿٤﴾ »0واورا محصولات گوناگون بود .پس به دوست خود که با اوگفته گو می کرد گفت:«من به مال از تو بیشتر وبه افراد از تو نیرومند ترم.»[[17]](#footnote-17)

صاحب باغی که هر گونه میوه ودر آمدی در اختیار داشت وظرفیت این دارایی را نداشت غرور اوراگرفت در اولین مرحله که برتری جویی واستکبار بر دیگران است به دوستش گفت :من از نظر ثروت از تو برترم وآبرو وشخصیتم بیشتر ونفراتم فزون تر است بنا بر این خود را صاحب نیروی انسانی فراوان،ومال وثروت هنگفت ودر پی آن موقعیت ونفوذ اجتماعی بیشتر می دانست وبه دوستش تفاغر می ورزید.

فخر فروشی در همه دارایی انسان ممکن است اتفاق بیفتد مثلا شخصی به اموال خود می بالد ،شخصی به فرزند خود شخصی به لباس ومرکب.از ویژگی افراد متجمل(تجمل گرا)تفاخر در همه چیز حتی لباس وتزئینات ظاهری می باشد .پیش وایی دینی از مصادیق ساد آن نیز نهی فرموده است پیامبر اکرم فرمودند :«من لبس ثوباَ فاختال فیه خسف الله به من شفیر جهنم وکان قرین قارون؛«هر کس لباس بپوشد ودر آن احساس بزرگی کند خداوند به وسیله آن،اورا از لبه دوزخ فرو می کشد واو همراه قارون خواهد بود .»[[18]](#footnote-18)نعمت های که در دست انسان ها است از طرف خداوند به اواعطا شده است.گاهی مرفهان بر این باور هستند که اموال را با فکر وزیرکی خود به دست آوردند وچون چنیین اندیشیی دارند به جای آنکه نعمت را در راه خیر وصلاح به کار ببرند از آن برای تفاخر به دیگران استفاده می کنند.

د:دنیا گرایی

یکی دیگر از عوامل تجمل گرایی ترجیح دنیا برآخرت وهدف قرار دادن آن است که در قرآن هم به آن اشاره شده است« يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ ﴿٧﴾ [تنها] ظاهری [محسوس] از زندگی دنیا را می شناسند و آنان از آخرت [که سرای ابدی و دارای نعمت های جاودانی و حیات سرمدی است] بی خبرند. »[[19]](#footnote-19)پرداختن به دنیا ورفاه طلبی در میل در ونی انسان به اندوختن مال وزینت های مادی ریشه دارد .برخی از افراد از این مال وزینت های مادی به عنوان وسیله ای برای رشد وتعالی خود ودیگران استفاده می کنند .اما برخی دیگر ،مال وزینت های دنیا باعث اشرافی گری وتجمل کرایی آنان شده وموجبات گمراهی خود ودیگران را فراهم می سازند .

وخداوند رقرآن می فرماید :« وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ ۖ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ»موسی گفت:پروردگار ما ،تو فرعون واشراف وابسته اورا در زندگی دنیا ،زیور زینت ودارایی داده ای که با آن مردمان را از راه تو گمراه کنند،»در جامعه رفاه زده افراد دنیا گرا برای به دست آوردن امکانات بیشتر ،حرص می ورزند واین مسئله در جوامع سنتی که همگونی وچشم و هم چشمی حاکم است باعث می شود که تهیه امکانات رفاهی بیشتر به یک ارزش تبدیل شده ودر صورت تداوم،در دراز مدت سبب غالب شدن ارزش های مادی مانند مصرف بی رویه ومد گرایی برارزش های معنوی مانند قناعت ،اعتدال،زهدو...شود .در چنین جوامعی گرایش دنیا گرایانه باعث می شود که ثروتمندان هرگونه امکانات رفاهی رابرای خود تهیه کنند وتبلبغات عامل تشدید کننده آن است .در نتیجه به خاطر سیری ناپذیری انسان،توقع داشتن کالا های جدید وبرخورداری از امکانات ویژه در اقشار مختلف جامعه پدید می آید که منجر به رفاه زدگی انسان می شود .[[20]](#footnote-20)

**عوامل بیرونی تجمل گرایی**

یکی از مهم‌ترین آفت‌های سبک زندگی که در شیوه‌های مصرف و اقتصاد جامعه تأثیر مستقیم دارد، تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی است، امری که رهبر انقلاب درباره‌ی آن می‌فرمایند: «اگر یک جامعه‌ای بخواهد از لحاظ استحکام درونیِ اقتصاد خود به نقطه‌ای برسد که آسیب‌پذیر نباشد، یکی از کارهای واجبی که باید انجام بدهد، این است که از تجمل گرایی و زیاده‌روی و زیاد مصرف کردن و مانند اینها را کنار بگذارد.»

الف:دوری از آرامش ورضایت

یکی از پیامد های فرهنگی تجمل گرایی،از بین رفتن آرامش ورضایتمندی افراد جامعه است .مردمی که همیشه در پی تغیر (مد)،تکاپو برای تغیر دادن وسایل زندگی وتهیه لوازم جدید می باشند تنش واظطراب روحی آنان را فرا گرفته واز زندگی ناراضی خواهند بود.

در جامعه تجمل گرا طبقه مرفه با نمایش ثروت خود وشرکت های تجاری با تبلبغات،احساس نیاز به کالای جدید را تشدید کرده وهمه در پی به دست آوردن کالا های گونا گون وغیر ضروری هستند .در چنین وضعیتی همه به ئنبال تهیه کالا برای رفاه بیشتر که به یک ارزش تبدیل شده است تا خود را باطبقهمرفه جامعه هم ردیف سازددر صورتی که کم تر از آنها داشته باشد احساس شرمندگی ،محرومیت ونارضایتی کرده وآرامش خود را از دست می دهد زیرا در جوامع سنتی یک رفتا عمومی تبدیل به ارزش وهنجار شده ورفتار غیر جمعی تبدیل به یک غیر هنجار در جامعه می شود .

در جامعه ای که نمایش ثروت افراد رفاه زده برای گروهی کم درآمد نیاز کاذب ایجاد می کند در آمد این افراد پاسخگوی نیازشان نیست وازاطراف دیگر اگر به ارزش های دینی مانند قناعت ومصرف بهینه پایبند نباشند این افراد در پی افزایش درآمد خود به اشتغال دوم،اضافه کاری،کارکردن بانوان ،وبه کمک گرفتن از دیگران روی می آورند که اینها اثرات بسیار منفی بر روی نهاد خانواده وفرد می گذازد .

خانواده هایی که در آن افرادی برای داشتن زندگی تجملیباید دوشیفت یا بیشتر کار کنند با خستگی بسیار زیاد به خانه می آیند ودر اثر این خستگی در گیری مجادله بین افراد خانواده خصوصا زن ومرد پیش می آید وچون در اثر چشم وهم چشمی به آنچه که آنهارا قانع کند دست پیدا نکرده اند این ناراحتی ها باعث تشدید درگیری ها شده وسر انجام به تزلزل خانواده منجر می شود [[21]](#footnote-21)در حالی که با برخورداری از روحیه قناعت وسادگی ،خانواده از صفا وصمیمیت واستحکام بیشتری برخوردار می باشد .امام صادق (علیه السلام)می فرمایند:«من قنع بالمسقوم استراح من الهم والکربوالتعب وکلما انقص من القناعه زادفی الرغبه؛«هرکس به آنچه قسم اوست قانع شود از غم وغصه نجات یافته از تحمل رنج ها ودشواری ها برکنار خواهد ماند.»[[22]](#footnote-22)

به نظر شهید مطهری :«مردم وقتی به رفاه زیاد عیش وتعنم عادت کردند خصلت عیش ،تعنم،رفاه زدگی ،کم حوصلگی وکم صبری وزود رنجی وپر توقعی به دنبال می آورد .»[[23]](#footnote-23)

ب:فسق ظلم وبی بندباری

یکی دیگر از پیامدهای تجمل گرایی ورفاه زدگی که باعث بی بندباری در جامعه از سوی فرد می شود در آموزه های اسلام از آن بانام فسق وفجور یاد شده است زیرا پرداختن به کار کامجوئی ها غالبا همراه با ناشایستگی های اخلاقی ورفتاری همراه می باشد .در بیانی شریف آمده است:« وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ﴿۱۶﴾«وهنگامی که بخواهیم شهری را هلاک کنیم خوشگذران های آن را امر (به اطاعت)می کنیم ولی در آن فسق وگناه می کنند.»[[24]](#footnote-24) در این آیه مترفان یکی از مصادیق مفسد فی الارض شمرده شده اند زیرا آنان سرچشمه بیشتر مفاسد اجتماعی هستند

آنان به منظور دستیابی به رفاه از هیچ گونه ظلم وگناهی خودداری نمی کنند[[25]](#footnote-25)

در روایتی از امام سجاد (علیه السلام)می فرمایند:«پوشیدن لباس نرم (تن پروری)سبب تغیان معرفی شده است«ان الجسد اذا لبس الثوب اللین طغی»شاید منظور از روایت این باشد که تن پروری زمینه را برای سرکشی وطغیان آماده می ساز.[[26]](#footnote-26)

ج:وابستگی به قدرت های استکباری

از جمله پیام های رفته زدگی وتجمل گرایی وابستگی به قدرت های استکباری که در مواردی وابستگی اقتصادی است .جامعه ای که افراد آن مصرف گرا بوده برای رفاه بیشتر خود از لوازم گران قیمت خارجی به کشور های دیگر وابسته می شوند .این در حالی است که در آموزه های اسلام بر عزت وسر بلندی جامعه اسلامی تاکید فرآوان شده است .جامعه اسلامی باید از جنبه های گوناگون اقتصادی ،سیاسی ،فرهنگی اقتدار لازم را داشته باشند ،از وابستگی وسلطه پذیری در امان بوده وبا کسب برتری در تمام زمینه ها خود را به رشد وتوسعه مناسب ودر شان جامعه اسلامی برساند .کسب عزت وحفظ آن در نظر معصومین از اهمیت فوق العاده برخوردار است چنانچه امیر المومنین می فرماید«من اقربالذل طادعا فلیس منا ال البیت»«اگر کسی با میل ورغبت ذلت را بپذیرد از ما اهل بیت نیست [[27]](#footnote-27)

راه های پیشگیری از تجمل گرایی در زندگی فردی

الف.سفارش به یاد خدا

یاد خدا بهترین راه برای در امان ماندن از غفلت ومستی است[[28]](#footnote-28)همواره با ید به این مسئله توجه داشته باشیم که همه نعمت ها ازناحیه خداوند به مارسد «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»(ای مردم، شما همه به خدا فقیر و محتاجید و تنها خداست که بی‌نیاز و غنیّ بالذّات و ستوده صفات است.)[[29]](#footnote-29)وبرای امتحان بندگان است«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»و محققا بدانید که شما را اموال و فرزندان، فتنه و ابتلایی بیش نیست و در حقیقت اجر عظیم نزد خداست.[[30]](#footnote-30)

ب.به یاد مرگ وقیامت بودن

یاد مرگ وقیامت بودن در تربیت وتهذیب روح انسان تاثیر فراوانی دارد ودر روایات بدان اشاره شده است ؛امام صادق (علیه السلام)می فرمایید:«ذکر الموت یمیت الشهوات فی النفس ویقلع منابت الغفله ویقوی القلب بمواعد الله ویرق الطبع ویکسر اعلام الهوی ویطفی نار الحرص ویحقر الدنیا؛[[31]](#footnote-31)یاد مرگ شهوت ها در نفس را می میراند وغفلت انسان را از بین می برد وباعث قوت قلب انسان ووعده های الهی می شود ،طبیعت انسان را نرم می کند وهوس را می شکند وآتش حرص را خاموش ودنیارا در نظر انسان کوچک وحقیرمی کند .

ج.محاسبه ومراقبه اعمال

مرحوم نراقی در جامع السعادت می فرمایند :[[32]](#footnote-32)محاسبه عبارت است از این که انسان در هر شبانه روز یک وقتی را معین کند که به حساب نفس خویش برسد که چه اعمالی را انجام داده وطاعت ها وگناهانش زا موارزنه وسنجش نماید ونفس خویش را سرزنش کند اگر در طاعت الهی تقصیر نموده یا مرتکب معصیت شده وشکر کند خدا را اگر واجبات را انجام داده ومعصیتی از او صادر نشده وشکر زیادتری نماید اگر موفق به بعضی اعمال خیر ومستحبی شده است ومراقبه آن است که همیشه ملاحظه کند ظاهر وباطن خود را تا این که اقدام به معاصی نکند وواجبات از او ترک نشود تا این که در موقع حساب ملامت وندامت متوجه او نشود

درمورد اهمیت محاسبه نفس امیر المومنین(علیه السلام)می فرمایند :[[33]](#footnote-33)«لازم است انسان عاقل به حساب خود رسیدگی کند وتمام عیب ها وزشتی هایی را که دارد نسبت به دین ورای واخلاق وادب اینکه ثبت وظبط کند وآنها را به ذهن خود بسپارد یا آنکه در صفحه کاغذی بنویسد وبرای بر طرف نمودن آنه فعالیت کند.»

نتیجه:

1. دانشپژوه سطح دو،حوزه علمیه حضرت زینب(سلام الله علیها) دهدشت [↑](#footnote-ref-1)
2. فرهنگ فارسي، محمد معين، ج 1، تهران: اميرکبير، 1371، ص 1032. [↑](#footnote-ref-2)
3. لغت‏نامه دهخدا، علي اکبر دهخدا، پيشين ، ج 14.همچنين ر.ک: دانشنامه جهان اسلام، زير نظر غلام‌علي حداد عادل، بنياد دائرةالمعارف اسلامي، چاپ اوّل، 1380، ج6، ص595 [↑](#footnote-ref-3)
4. محمدبن يعقوب كلينى،فروع كافى، ج 6، چاپ دوم، تهران: دارالكتب الاسلاميه، 1362ص 438. [↑](#footnote-ref-4)
5. فرهنگ فارسي، محمد معين، ج 1، تهران: اميرکبير، 1371، ص 862. [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره نجم ،آیه29 [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره منافقون ،آیه9 [↑](#footnote-ref-7)
8. نهج البلاغه، خطبه 175. [↑](#footnote-ref-8)
9. سوره حدید،آیه16 [↑](#footnote-ref-9)
10. تفسیر نمونه،23،ص399تا341 [↑](#footnote-ref-10)
11. پیامد های اجتماعی رفاه زدگی ،صدیقه پورمحمدی،،ص54 [↑](#footnote-ref-11)
12. سوره اعراف آیات60تا64 [↑](#footnote-ref-12)
13. اخوان حکیمی،الحیاط،ترجمه احمد آرام،ج1،ص300 [↑](#footnote-ref-13)
14. مرتضی ،مطهری،مجموعه آثار استاد شهید مطهری (عدل الهی)،ج1،ص187،نرم افزار [↑](#footnote-ref-14)
15. حسین ابن محمد،راغب اصفهانی،مفردات فی غریب القرآن،627 [↑](#footnote-ref-15)
16. خلیل،جر،فرهنگ لاروس(عربی به فارسی)ترجمه سید حمید طبیبیان،ج1،ص609 [↑](#footnote-ref-16)
17. سوره کف ،آیه34 [↑](#footnote-ref-17)
18. شیخ صدوق،من لا یحضر الفقیه،ج4،ص13 [↑](#footnote-ref-18)
19. سوره روم،آیه 7 [↑](#footnote-ref-19)
20. فرامرز،رفیع پور،توسعه وتضاد (کوشش در جهت تحلیل انقلاب اسلامی ومسائا اجتماعی ایران )،ص197تا222 [↑](#footnote-ref-20)
21. مجید رشید پور،تعادل واستحکام خانواده ،ص132تا138 [↑](#footnote-ref-21)
22. محدث نوری،مستدرک الوسایل والمستنبط المسائل،ج15،ص224 [↑](#footnote-ref-22)
23. مرتضی ،مطهری،مچموعه آثار ،ج27،ص800 [↑](#footnote-ref-23)
24. سوره اسراء،آیه16 [↑](#footnote-ref-24)
25. ناصر ،مکارم شیرازی ،تفسیر نمونه،ج12،ص60 [↑](#footnote-ref-25)
26. رضی الدین،حسن ابن فضل طبرسی،مکارم الاخلاق،ص111 [↑](#footnote-ref-26)
27. حسن ابن شعبه ،تحف العقول،ص58 [↑](#footnote-ref-27)
28. حضرت علی (علیه السلام)از مستی ناشی از نعمت با عبارت «سکر نعمت»یاد می کند...فاتقواسکرات النعمه واحذروا بوائق النقمه»نهج البلاغه،خطبه151 [↑](#footnote-ref-28)
29. سوره فاطر،آیه15 [↑](#footnote-ref-29)
30. سوره انفال ،آیه 28 [↑](#footnote-ref-30)
31. محمدباقر مجلسی،بحارالانوار ،ج6،ص132تا133 [↑](#footnote-ref-31)
32. جامع السعادت ،ج3فص640،به نقل از جعفر دهقان [↑](#footnote-ref-32)
33. محمدباقر مجلسی،بحارالانوار،ج17،ص294وص356 [↑](#footnote-ref-33)